



هویت «عبد بودن» را باید به خودمان «تلقین» کنیم

حجت الاسلام علیرضا پناهیان در دهه اول محرم، در دانشگاه تهران با موضوع «هویت یک عبد» به ایراد سخنرانی پرداختند. گزیده‌ای از چهارمین جلسه این سخنرانی در ادامه می‌آید:

حضرت امام خمینی (ره) در باب تکرار و تلقین و اهمیت آن، می‌فرمایند: «یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش، تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می‌کند.»

زندگی انسان کاملاً تحت تأثیر توقعات او قرار دارد

- توقعات انسان، نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در زندگی انسان دارد به حدی که می‌توان گفت این توقعات انسان است که زندگی او را شکل می‌دهد. احساس رضایت یا عدم رضایت از زندگی، شکر کردن از پروردگار، قانع بودن یا نبودن، اینکه انسان مبارزه با نفس کند یا اینکه خود را رها نماید و... همگی به توقعات انسان از زندگی بستگی دارد. سختی کشیدن یا احساس راحتی و آسایش، بیش از آنکه واقعیت بیرونی داشته باشد، بر اساس توقعات انسان شکل می‌گیرد.

- قناعت که این قدر در روایات به آن تأکید شده است، به توقعات انسان بازمی‌گردد و انسان قانع به کسی می‌گویند که توقعاتش کم و به‌جا باشد. البته برخی انسان‌ها توقعاتشان کم است اما به‌جا نیست. یعنی خواسته‌های زیادی ندارند، اما گاهی برای رسیدن به خواسته‌ای که صلاح نیست به آن برسند، اصرار می‌کنند. بسیاری از طلاق‌ها و نامالیمات در زندگی مشترک فقط به خاطر توقعات نابه‌جا می‌باشد.

- کسانی که سطح توقعاتشان خیلی بالاست، وقتی وارد جامعه می‌شوند، دچار مشکلات فراوان خواهند شد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، به شدت توقع جوان را از دنیا پایین می‌آورد و با صراحت می‌گوید که تو در زندگی، هدف بلاها و نامالیمت‌ها و بیماری‌ها قرار داری، پس خود را آماده کن! (إِلَى الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يُدْرِكُ السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ غَرَضِ الْأَسْقَامِ وَ رَهِينَةِ الْأَيَّامِ وَ رَمِيَّةِ الْمَصَائِبِ وَ عَبْدِ الدُّنْيَا وَ تَاجِرِ الْغُرُورِ وَ غَرِيمِ الْمَنَايَا وَ أَسِيرِ الْمَوْتِ وَ حَلِيفِ الْهَمُومِ وَ قَرِينِ الْأَحْزَانِ وَ نُصْبِ الْأَفَاتِ) پدرها و مادرها باید سطح توقعات فرزندان خود را از زندگی، پایین بیاورند.

درک هویت حقیقی، مهم‌ترین عامل کنترل کننده توقعات

- مهم‌ترین عاملی که توقعات انسان را کنترل می‌کند، تلقی انسان از خودش و درکی است که از هویت و ماهیت خود دارد. منظور از هویت انسان، هویت ملی، صنفی یا ... نیست، بلکه مقصود، هویت حقیقی و اصلی ما می‌باشد.

- هویت حقیقی و اصلی ما «عبد بودن» ما می‌باشد. ما هرچه رشد کنیم و هرچه در خود تغییر ایجاد کنیم، باز هم عبد خواهیم بود و هیچ‌گاه نمی‌توانیم از دایره «عبد بودن» خارج شویم، چون همیشه مملوک خداوند هستیم. «إِنَّ كُلَّ مَنْ



فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنُ عَبْدًا؛ بلکه هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست جز اینکه خدا را بنده فرمانبردار است» (مریم/۹۳) ما چیزی جز فقر و وابستگی مطلق به مولای خود نیستیم. همه هستی عبد در اختیار مولای او قرار دارد.

یکی از راه‌های درک معنای عبد بودن، «تلقین» است

- برای بشر امروز که از هویت حقیقی خود که همان «عبد بودن» است فاصله گرفته است و گرفتار انانیت، خودپرستی و هواپرستی شده است، درک معنای واقعی عبد بودن بسیار سخت است و نمی‌تواند به راحتی، خود را در فضای عبد بودن، حس کند. یکی از روش‌هایی که می‌توانیم به کمک آن، مفهوم عبد بودن را در خودمان جابجاندازیم، روش «تلقین» است.

حضرت امام(ه): «تلقین از اموری است که لازم است / انسان باید امور مهم را تکرار و تلقین کند»

- حضرت امام خمینی(ره) در باب تکرار و تلقین و اهمیت آن، می‌فرماید: «یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است تلقین است. انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته بشود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است تلقین کند به خودش، تکرار کند. یک مطلبی که تأثیر در نفس انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها بیشتر در نفس انسان نقش پیدا می‌کند.» «تلقین از اموری است که لازم است. اینکه من در بعضی از مسائل برای دوستان دایماً یک مطلب را تلقین می‌کنم و اظهار می‌کنم برای این است، که مطلب مهم است. ساختن یک جامعه است. ساختن یک ملت است. و تا ساخته نشود یک ملت و یک جامعه، نمی‌تواند به آن مقاصد عالی‌های که دارد برسد. و لهذا مسائل مهم را باید تکرار بکنند. گویندگان تکرار بکنند و شنوندگان هم خودشان به خودشان تلقین بکنند تا ان شاء الله تأثیر بکند در نفس.» «بعضی از مسائل است که اهمیتهای این قدر زیاد است که باید آن مسائل را تکرار کرد. کتابهایی که برای انسان‌سازی آمده است مثل قرآن کریم، و کتابهایی که در اخلاق نوشته می‌شود، و مقصود، ساختن یک انسان است، و ساختن یک جامعه است، به حسب اهمیت، هر موضوعی در آنها تکرار شده است. تکرار در قرآن مجید زیاد است. و بعضی‌ها خیال می‌کنند که این تکرار چرا؟ و حال آنکه لازم است.» «نکته تکرار ادعیه و تکرار نماز در هر روز چندین دفعه، و همیشه این است که انسان با گفتن و شنیدن، خود انسان قرائت می‌کند و می‌شنود آن آیاتی که سازنده است، مثل سوره مبارکه حمد که یک درس سازنده است. انسان باید اینها را تکرار کند و تلقین کند، و نفس را حاضر کند برای شنیدن.» (صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۳۹۸)

